

نوید مرگ اسلام
را جوانان ایرانی
سر داده اند

بیاداری

ماهنامه ی شماره ی ۱۵۰ کانون خردمداری ایرانیان
سال ۲۴ - دی ماه ۲۵۸۳ ایرانی - ۱۴۰۳ عربی

ایران پیشگام
نابودی اسلام در
جهان شده است

آخوندها در ایران شده اند آلت قتاله

تعداد ایرانیانی را که از زمان صفویه تا کنون آخوندها کشته اند قابل شمارش نیست. خامنه ای خونخوار به تنهایی ده ها هزار جوان را بی گناه به جوخه های آتش و چوبه های دار سپرده است

پس از مرگ قاسم سلیمانی، اسماعیل هنیه و سنوار فلسطینی، حسن نصراله لبنانی و بشار اسد سوری از حلقه آدم کشان حرفه ای، سر دسته جنایتکاران ((سید)) علی ماند و حوض اش

توران عازم

فرستنده سهراب مبارز

زن و مذهب

تئوری هایی که در رابطه با پیدایش مذهب وجود دارند به دو گروه عمده تقسیم می شوند.

۱ - نظریاتی که معتقدند، مذهب و فرامین مذهبی از مانده در رویه ۲

مقدمه از رضا هاشمی

رئسانس تولدی دیگر

مقدمه: دوره روشنگری یا عقل گرایی یا آزاد اندیشی در اروپای قرن هجدهم اتفاق افتاد. در این دوره عقل به صورت تدریجی جایگزین دین می شود، به عبارتی دین عقلانی جایگزین دین الهی می شود.

مانده در رویه ۳

زن و مذهب

مانده از رویه ی نخست

طرف یک قدرت ماورای طبیعی به نام خدا نازل شده است.

۲ - تئوری هایی که باور دارند، مذهب ساخته و پرداخته انسان است. من خود به عنوان یک ماتریالیست جزو طرفداران نظریه دوم هستم، چون نظریه نخست را فاقد اعتبار علمی می دانم. و باور دارم اعتقادات با انسان ها زاده نمی شوند بلکه در جریان زیست اجتماعی ساخته می شوند. پرسش می شود، اگر مذهب غیر علمی و خرافی است چرا با وجود رشد علم و تکنولوژی باز هم مذهب از بین نمی رود.

در پاسخ به این پرسش به سه نکته می توان اشاره کرد:

۱- در بدو تاریخ، جهل انسان نسبت به ماهیت نیروهای طبیعی مانند سیل، خشکسالی و قحطی بود که زمینه پا گرفتن مذهب را فراهم کرد و این جهل به همراه ترس و استیصال که حیات انسان اولیه را تحت الشعاع قرار داده بود، منشاء آفرینش خدایان شد. امروزه بواسطه رشد علم و تکنولوژی و سلطه انسان بر طبیعت جای چندانی برای وحشت و هراس از پدیده های طبیعی باقی نمی گذارد.

در عوض، آن چه که امروز مایه تقویت و اعتبار مذهب شده، جهل و ناآگاهی بشر نسبت به عملکرد نیروها و روابط اجتماعی است.

اگر انسان اولیه در نگرانی دائم از قحطی، خشکسالی و یاسیل و سرما به سر می برد و از سر عجز به نیایش خدایان می پرداخت و برایشان قربانی می کرد امروز بشر در اضطراب دائم از مسائل اجتماعی به سر می برد و چنان مقهور معادلات اقتصادی، سیاسی، دولت ها و نهادهای حزبی و مذهبی و رسانه هاست که واقعاً نمی داند ساعتی بعد چه بر سرش خواهد آمد.

اگر انسان اولیه برای گریز از تنگناها، خدا می ساخت و خرافه می بافت و به مذهب متوسل می شد، انسان امروز، برای فرار از تنگنای مناسبات بی رحم و خشن مرد سالارانه و شکاف اقتصادی بین خانواده ها به خدا متوسل می شود که شاید به آرامشی دست یابد، دومین علت دوام مذهب را باید در حمایت مالی مرد سالارانه از مذهب جستجو کرد و سومین علت از دوام مذهب را منافع نظام های سیاسی دانست که بخش وسیعی از منابع مالی این نظام ها به تداوم و بقای مذهب اختصاص داده شود.

مبارزه با مذهب:

مذهب، چه به عنوان مجموعه ای از باورهای خرافی و چه به عنوان یک نهاد شرعی، در طول حیات مردسالاری، برابرابری، بی حقوقی، فرودستی، و اخلاقیات زن ستیز صحنه گذاشته و به آن ها مشروعیت بخشیده است.

در اینجا ضرورتی به بازخوانی مندرجات کتب مذهبی و بازگویی احادیث پیامبران، امامان و رهبران مذاهب گوناگون و نقل تجاوزگری های آنان

نمی بینم چون زنان نسل ما، زن ستیزی تاریخی و جهانی مذهب را با پوست و استخوانشان لمس کرده اند. به علاوه در این باره به قدری گفته و نوشته اند که لزومی به تکرارشان نمی بینم.

به نظر من آگاهی زنان نسل ما، نسبت به ماهیت زن ستیز مذهب، به چنان درجه ای از رشد و تکامل رسیده است که بازتابش را قطعاً در آینده ایران شاهد خواهیم بود.

زنان ایران از سال ۱۳۵۸ تا به امروز، بیش از هر نیروی اجتماعی مزاحم رژیم اسلامی شده و در این مبارزه چنان پیگیر و استوار بوده اند که به جرات می توان گفت بیشترین منابع مالی، تجهیزاتی، تبلیغاتی، نظامی و پرسنلی رژیم برای سرکوب زنان به کار گرفته شده است!

اما علیرغم این، بندرت شاهد موضع گیری صریح و بی پروای فعالین و تشکیلات زنان، علیه مذهب هستیم. در داخل و خارج ایران افراد و گرایشات محدودی را می توان یافت که - صراحتاً - خواستار کوتاه شدن دست خدا و نمایندگان زمینی اش از جسم، جنسیت و سرنوشت زنان باشند و برای مبارزه با مذهب، جایی در لیست اهداف شان گنجانده باشند.

تا اینجای بحث ممکن است این سوء تفاهم پیش آمده باشد که من مبارزه با مذهب را با انسان هایی که اعتقادات مذهبی دارند یکی می دانم.

برای رفع این شبهه باید بگویم که من انسان های مومن و مذهبی را قربانی مذهب می دانم و یکی از دلایل مخالفتم با مذهب هم همین است که نمی خواهم هر روز انسان های بیشتری در قربان گاه مذهب ذبح شوند و این به آن معنا نیست که مرد با غیرت مسلمان را تحت نام «قربانی مذهب است» تیرئه کنم و چشم بر تجاوزاتی که به حقوق همسر، خواهر و دخترانش می کند ببندم. من او را به عنوان مجری یک جنایت محکوم می کنم، به علاوه می کوشم تا امکانات آموزشی و درمانی لازم را در اختیارش بگذارم تا به خودش بیاید، ولی همزمان تلاش می کنم تا آزادی او را برای اجرای آزادانه احکام و باورهای زن ستیز مذهبی اش محدود کنم. ضمناً من به حکم این سخن که مذهب امر خصوصی افراد است دست مومنین مذهبی را در زن آزاری باز نمی گذارم.

ما فمینیست ها معتقدیم که حرمت انسانی و احترام به حقوق فردی و اجتماعی زنان همان قدر که در اماکن عمومی باید محترم شناخته شود باید در روابط شخصی، خانوادگی و اتاق خواب نیز مورد احترام قرار گیرد. مرد مومن هیچ حق ندارد در تبعیت از باور اعتقادی اش در درون خانه هر بلایی دلش خواست سر همسر و فرزندانش بیاورد.

در یک کلام:

مذهب تفسیر خرافی روابط مادی و مناسبات اجتماعی است که ریشه در فقر، جهل، ناتوانی، هراس و اضطراب انسان در تنگنا مانده دارد. مذهب ابزار فریب، تحمیق و تخدیر شعور توده ها و یکی از

رنسانس تولدی دیگر

مانده از رویه ی نخست

این اتفاق یکی از مهم ترین حوادث تاریخ جهان است سرچشمه ی ظهور دنیایی نو با تفکراتی جدید و مدرن بود که کل باورهای سنتی را یک جا به چالش می کشید. در این زمان است که فیلسوفانی همچون ولتر، ژان ژاک روسو، دیدرو، و امانوئل کانت با اندیشه های نوین خود در دنیای مسیحی سنت زده ظاهر شدند که ثمره اندیشه های آن ها، دین تبدیل به عقل شد، الوهیت تبدیل به انسانیت گردید، ایمان جای خود را به سنجش داد، تسلیم جای خود را به تصمیم داد، وابستگی خود را به استقلال داد، عشق به خدا تبدیل به عشق انسان شد و در نهایت، اجبار جمعی به آزادی فردی تبدیل گردید و مردمان خاورمیانه به ویژه مسلمانان از داشتن فیلسوفان دلبر و ماجراجو و آگاه غربی محروم بودند و این شد که هنوز در قرن نوزدهم گرفتار سنت ها و ایشالا! ماشاالله و هر چه خدا بخواهد، شده اند.

رنسانس از سال ۱۳۰۰ میلادی در ایتالیا آغاز شد و در طول ۳۰۰ سال در سراسر اروپا انتشار یافت. در دوره ای چنین کوتاه رخدادهای مهم گوناگونی به وقوع پیوست که یکی از این رخدادها طی هزارها سال رخ نداده بود. این سه سده سرشار از تغییرات اساسی در زندگی انسان بود. جهان امروزی همه در نتیجه همین تغییرات است. زیرا رنسانس پایه های اقتصادی، سیاسی، هنری، علمی، تمدن های جدید غرب را بنا نهاد.

دانش و هنر پیشرفت های بزرگی در ایتالای سده ۱۵ و ۱۶ میلادی (۱۶۰۰-۱۵۰۰) به وجود آوردند. این احیای فرهنگی به رنسانس یعنی نوزایش مشهور شده است. در این دوره دانشمندان، شاعران و فیلسوفانی متفکر ظهور کردند که با الهام گرفتن از میراث روم و یونان با دیدگانی بازتر به جهان چشم دوختند. نقاش ها به مطالعه کالبد انسان پرداختند (مجسمه های لخت را در سراسر اروپا می بینید) و اعضای بدن انسان را به شیوه واقع گرایانه نقاشی کردند. پادشاهان و فرمانروایان ساختن ساختمان ها و کاخ ها و موزه های بزرگ هنری را سفارش دادند. این عقاید تازه، به سرعت اروپا را در خود گرفت.

در این نهضت بزرگ سه مسئله مورد نظر متفکرین قرار گرفت، نخست دلبستگی به زندگانی مردم در یونان و روم قدیم که در دوران خود از اعتلای فرهنگی بالایی نسبت به سایر مردم جهان برخوردار بودند، دوم دلبستگی به زندگانی و خوشی در این جهان و شناختن قدر زیبایی و کمال در مقابل ارزش های قرون وسطایی که توجه به دنیای پس از مرگ و روز رستاخیز داشت، سوم توجه و دید جدیدی به طبیعت و میل و مشاهده ی دقیق تری به زیبایی ها و آثار طبیعی که در قرون وسطی بر مردم مجهول بود و سخن گفتن از آن ها مایه طعن و ننگ می شد.

در اصل، ایده رنسانس از توجه دقیق تر به هویت عصر گذشته یونان و روم باستان به وجود آمد. چون آثار باقی مانده از دوران باستان این دو امپراطوری گذشته را نمونه حقیقی از هماهنگی و کمال می دانستند. در واقع دوران باستانی یونان و روم پایه و اساس تجلیات روحی رنسانس گردید.

بنابراین رنسانس به منزله تولد دوران قدیم در دامن دوران جدید است. آنچه مسلم است خالق رنسانس اروپایی ها هستند که این ایده را آن ها از انتخاب گذشته باستانی خود بدست آوردند. گذشته ای که راهنمای امروز آن ها شد. به زبان دیگر خصیصه اساسی رنسان همانا به کار بردن تجارب گذشته است برای بهتر زیستن در امروز و آینده.

این همان کاری بود که ما در ایران انجام ندادیم و تا توانستیم از گذشته خود دوری کردیم و گذشته تمدنی پیشینیان خود را به هیچ گرفتیم، شاید هزار سال با گذشته خود قهر کردیم و به زبان عام «از بیخ عرب شدیم» و از کتاب های درسی و تاریخی و علمی دانشگاهی مانند دانشگاه جندی شاپور چیزی در دست نداریم و پس از مشروطه بود که فرهنگ مردمی سینه به سینه از شاهنامه فردوسی تا جهان بینی حافظ و سعدی به ما رسیده که انقلاب مشروطه و پهلوی اول گام های اساسی را در توجه به دوران گذشته ی این سرزمین برداشتند ولی آنگونه که اروپاییان گذشته خود را جدی گرفتند ما نگرقتیم که هنوز گرفتار خرافات گذشته خود می باشیم.

ممکن است کسی پرسد در دوران گذشته یونان و روم چه بود که نسل رنسانسی به دنبال آن ها رفت؟ در دوران درخشان و گذشته یونان که فلاسفه بزرگ جهان را تربیت کرده بود و رومی ها عقیده بر این بود که نباید پیوسته به فکر رستاخیز و آخرت بود، بلکه باید از زیبایی و لذت های زندگانی بهره مند شد و از زمان حال بیشتر برخوردار شد و فرصت مناسبی را هم برای پیشرفت و تعالی اختصاص داد و همین اندیشه ها پایه و اساس نسل های جدید اروپایی در سده های ۱۵ و ۱۶ میلادی گردید که رنسانس و نوزایی را به وجود آورد. و البته مذاهب موجود آن روز موافق این نوزائی نبودند و مردم را به سوی تاریکی می بردند.

در به وجود آوردن رنسانس دو کشور قدیمی یونان و ایتالیا سهم نخست را دارند که با همکاری دانشمندان این دو کشور نوزاد رنسانس زاده شد و این مهم با مهاجرت دانشمندان یونانی به ایتالیا بدست آمد.

نظریه با اهمیتی که این مهاجرت (سال ۱۴۵۳) در تجدید حیات ادبی و فرهنگی اروپا داشته، مورخان سال ۱۴۵۳ را مبداء عصر جدید و رنسانس قرار داده اند. پیشوایان این حرکت بزرگ تاریخی که چهره جهان را دگرگون کردند و از آثار آن تمام مردم جهان کم و بیش برخوردار شدند عبارت بودند از:

نخستین پیشوا و پیشگامی که در ایتالیا ظهور کرد «فرانچسکو یترارکا» (۱۳۷۴-۱۳۰۴) بود که به کلی با افکار قرون وسطایی مانده در رویه ۱۰

بسیاری هم، شهریه سالانه خود را مدت هاست نپرداخته اند. نتیجه کار معلوم است که به کجا خواهیم رفت!
لطفا در فرستادن شهریه شتاب کنید که هیچ گاه وضع به این خرابی نبود.

دکتر احمد ایرانی

مانده از شماره پیش

حقایق درباره یهودیت، مسیحیت و اسلام

- ۲۱- در کتاب های دینی یهودیان، یهوه (خدا) برای قبولاندن حرفش سوگند می خورد! (می گوید، به حیات خودم سوگند.)
- ۲۲- تنها شرط یهوه در پیمان بزرگ با قوم یهود، بریده شدن پوست نوک آلت نوزاد پسر است.
- ۲۳- در کتاب های یهودیت نوشته شده، خدا برای ختنه کردن موسا به دنبال او دویده است!
- ۲۴- بنا بر کتاب های یهودیان به دستور یوشع نبی، جانشین موسا، خورشید از حرکت باز می ایستد و تا زمانی که یوشع همه دشمنان را نکشته است خورشید غروب نمی کند.
- ۲۵- داوود در آغاز از هواداران سائول یا نخستین شاه اسرائیل بوده است. پس از بروز اختلاف بین آن ها، داوود به گردن کشی و راهزنی می پردازد. بعد با حمایت کاهن بزرگ به شاهی می رسد.
- ۲۶- سلیمان یا یکی از نیرومندترین شاهان اسرائیل برای تقویت حکومتش با شاهزادگان و زنان قدرتمند ازدواج می کند. محمد پیام آور اسلام نیز به همین منظور و با تقلید از سلیمان با زنان بسیار و ثروتمند ازدواج می کند.
- ۲۷- سلیمان که از او با عنوان پیام آور و نبی یاد می شود یکی از ستم کارترین شاهان یهود بوده است. سلیمان بر مردم مالیات های سنگین می بندد، کار اجباری روا می دارد، حرمسرای بزرگی برپا می کند و برای خدا معبدی پرشکوه با هزینه ای ملت شکن می سازد.
- ۲۸- میزان ستمی که سلیمان بر مردم روا می دارد به حدی شدید بوده که پس از مرگش مردم شورش می کنند و در نتیجه سرزمین یهود دوپاره و تجزیه می شود!
- ۲۹- سلیمان با همه ستم کاری هایش محبوب روحانیون یهودی است، زیرا برای خدا معبدی شکوهمند می سازد.
- ۳۰- تورات در بیان متن فرمان کوروش در چند مورد نیز اشتباه کرده است.

بت پرستان

به یک یهودی بگوئید خدا نیست، کمی ناراحت می شود، ولی به او بگوئید موسایی وجود نداشته، خیلی ناراحت می شود.
 به یک مسیحی بگوئید خدایی وجود ندارد، او هم فقط کمی ناراحت می شود، اما به او بگوئید مسیح هیچ گاه وجود نداشته و داستانی است ساختگی به شدت ناراحت می شود. به همین ترتیب اگر جرات کنید به یک مسلمان بگوئید الله وجود ندارد، او هم به اندازه همان دو تن دیگر شاید هم کمی بیشتر ناراحت می شود، و اگر به این مسلمان جرات کنید و بگوئید محمد یک نام ساختگی است و چنین شخصی وجود خارجی نداشته، باید مواظب باشید که با مشت دهانتان را خونین نکند.
 همه این واکنش ها، نشانه بت پرستی این دین داران است. آن ها چون خدا را ندیده اند و ته دلشان هم برای بود و نبودش تردید دارند و مطمئن نیستند که هست یا نیست، از توهین به خدای شان زیاد ناراحت نمی شوند اما از آن جاکه موسا و محمد و عیسا برایشان واقعی تر هستند روی آن ها تعصب بیشتری دارند. یعنی پیامبران را بیشتر از خدا قبول و دوست دارند. در واقعیت مردمان این سه دین بیشتر بت پرستند تا خداپرست و خدای اصلی آن ها عیسا و موسا و محمد هستند نه یهوه و پدر آسمانی و الله.

عاقبت قلم زنی

استاد حبیب یغمایی از دهکده «جندق» در کنار کویر لوت بود که به تهران آمد و تحصیل کرد. او ۶۸ سال از عمرش را در کار پژوهش تاریخی و ادبی صرف کرده و به مدت ۳۱ سال مجله وزین یغما را منتشر کرد. در آخر عمر نابینا گردید، مجله اش تعطیل و خودش مقروض شد! «چه داستان آشنایی».
 استاد در آخرین شماره اش نوشت: مجله یغما پس از سی و یک سال انتشار ورشکست و تعطیل شد. اکنون من مانده ام و مقداری مجله و کتاب و مبالغی قرض. به من رحم کنید و بدهی خود را محض الله بپردازید، به عنوان خمس هم که شده می پذیرم. دعاگوی شما سید حبیب یغمایی.
از کتاب سپید و سیاه دکتر عزت اله همایونفر، به همت م- بابا اف بیداری- وضع ما دقیقاً شبیه مجله یغما شده است. کتاب هایم را هم برای فروش گذاشتم که جز سه چهار نفر کسی کتابی نخرید. از همه بدتر، سرباز گمنام جوانمردی که کمبودهای هر شماره را می پرداخت سه چهار ماهی است خودش گرفتاری مالی پیدا کرده و کمک نکرده است.

امیر طاهری

ترور در اسلام

علی کریمی، فوتبالیست تیم ملی،
مبارز سیاسی

عمده ترین پرسشی که پس از ترور رهبر حزب اله لبنان و سران نظامی می شود، آیا حزب اله قادر است دوباره خود را احیا کند و جان بگیرد؟ سناریوی حزب اله به کلی به پایان رسیده و گروه های شبیه حزب اله در تاریخ اسلام زیاد بودند ولی همه آن ها ناپدید شدند. من در این باره یک کتاب منتشر کردم در حدود ۳۵ سال پیش به اسم «وحشت مقدس»، در آن کتاب من لیست همه آن ها را آورده ام. ترور همیشه یکی از وسائل بوده که در اسلام به کار رفته، از چهار خلفای راشدین سه تن آن ها ترور شدند. خوارج را داشتیم که گروه تروریستی بزرگی بود، ملامده، حشاشین، بارلدی ها، آخوند سواد، زراخان، دوبندی ها.

اصولاً تمام تاریخ اسلام واقعاً تاریخ ترور است. برای این که اسلام سیاسی یک ایدئولوژی است که فکر می کند با خشونت، با زور، با ترساندن و یا با ترور مردم می تواند خود را بر جامعه مسلط کند. یکی از بدنام ترین این گروه ها گروه «خیرالدین» یا ریش قرمزها در آفریقای شمالی بود. آن ها عادت داشتند به کشتی های بازرگانی آمریکایی حمله کنند. آقای جفرسون که رئیس جمهور آمریکا بود و آمریکا تازه به استقلال رسیده بود برایشان هدایا فرستاد، مثل آقای ریگان که برای خمینی انجیل فرستاده بود، جفرسون هم یک نسخه قرآن زیبا فرستاد با هدایای زیاد که جلوی حملات آن ها را به کشتی ها بگیرد. بعد آخرش فهمید که بین تروریست معمولی به معنای عادی اش با تروریسم اسلامی فرق است، برای اینکه تروریسم معمولی شما را می ترساند تا چیزی از شما بگیرد، وقتی هم از شما گرفت دیگر با شما کاری ندارد اما تروریسم اسلامی که با اسم لاتین می شود.

«هوستیس، جنسین، اووانیس» معنای آن می شود «دشمن نسل بشر». تروریسم اسلامی دشمن نسل بشر است. و نیروی دریایی آمریکا را فرستادند آنجا زدند همه آن ها را داغان کردند، کشتندشان، پایگاه هایشان را از بین بردند و دیگر هیچ وقت آن گروه تروریستی نتوانست به روی پای خود به ایستد. بنابراین حزب الله لبنان هم ممکن است اینطور که آقای نعیم قاسم معاون نصراله گفت ممکن است باز یک سر و صدایی بکند. اما مشکل است به زندگی عادی خود برگردد.

اولاً که از شورای ۱۲ نفری رهبری ۷ تن آن ها کشته شدند. می ماند ۵ تن یعنی اکثریتی ندارند برای تشکیل جلسه ای که یک رهبر جدید انتخاب کنند. از ۲۲ تن فرماندهان نصراله فقط بین سه تا چهارتایشان زنده اند.

اگر ایرانیان از اسلام برگردند: ۱۳ هزار امام زاده تبدیل به مراکز فرهنگی و موزه و کارخانه می شود. ۵ میلیون آخوند، مداح، روضه خوان به مراکز کار اجباری اعزام می شوند. لکه ننگ کلمه اوقاف از بین می رود و به این ترتیب ۷۰ درصد خاک مردم ایران از دست آخوندها در می آید و آزاد می شود. میلیارد ها دلار از بودجه کشور که سالانه صرف تبلیغ دین می شود در تولید و صنعت سرمایه گذاری می شود. به خاطر آثار تاریخی و موقعیت ویژه ایران، کشور ما اولین مقصد توریست ها در جهان می گردد. شش ماه در سال کشور به خاطر مرده های اعراب تعطیل نمی شود و باعث فعالیت اقتصادی می شود. اوضاع اقتصادی کشور آن چنان خوب می شود که مردم و نیازمندان برای بهبود وضع خود دیگر به امام زاده ها مراجعه نمی کنند و این بساط تحمیق جمع می گردد.

**شمال کشور چوب بر، جنوب کشور
خاک بر، شرق کشور سوخت بر، غرب
کشور کول بر، مرکز قدرت پول بر،
این ها همه از افتخارات
آخوندهای دزد است!**

**در پی آن همه خون،
که برای خاک چکید
نگ مان باد این جان،
شرم مان باد این نان
ما نشستیم و تماشا کردیم.
فریدون مشیری**

شل بازی و خل بازی غربی ها

غربی ها آن قدر «فس فس» کردند که خودشان اعتراف می کنند آخوندهای بی سر و پا، دزدان سرگردنه، ویرانگران ایران و کل منطقه به لب پرتگاه ساختن بمب اتمی رسیده اند. فقط خبرش را می دهند و همین! و دیگر هیچ.

سازمان اطلاعات ملی آمریکا اعلام کرد: جمهوری اسلامی به تولید سریع سلاح هسته ای رسیده است! «خوش به حال شما» مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی گفت: ایران در حال افزایش دستکم هشت برابری تولید اورانیوم ۶۰ درصدی است. «راحت بگویید، کار تمام است».

غرب کاسب و پخمه، روزی سر از خواب خرگوشی برمی دارد که متأسفانه جمهوری اسلامی آخوندی حقه باز دارای چندین بمب اتمی شده اند و فاش می شود که مدت هاست آخوندها صاحب بمب اتم می باشند ولی صدایش را در نمی آوردند.

دیروز موشک، امروز پهپاد و فردا بمب اتم نتیجه شل بازی و خل بازی غرب است.

ناب گفته های منسوب به صادق هدایت

* ما چقدر به سادگی نیاکان خودمان می خندیم! روزی می آید که آیندگان به اندیشه های خرافی و نا آگاهی های ما بخندند!

* مردم ما سال هاست که مرتب همان فریب ها را می خورند. ولی خنده دار است که خود را با هوش ترین و بهترین مردم دنیا هم می دانیم!

* خدا پرسید، آن چه را که به تو خواهیم داد می خوری یا می بری؟ نقد را گرفتم و گفتم می خورم!

چه می دانستم آن چه را که او می داد حسرت بود و لذت و نمی دانستم که حسرت ها را می خورند و لذت ها را می برند! و من حسرت را انتخاب کرده بودم.

* اگر بر مسلمانان تکلیف شده بود که به جای ۱۷ رکعت نماز روزی ۱۷ دقیقه مطالعه کند امروز نه تنها هیچ مسلمان بی سواد و وجود نداشت بلکه هیچ مسلمانی وجود نداشت.

* بهشت بزرگترین فریب برای جهنم کردن دنیاست. کشوری که نام قبرستان هایش بهشت باشد معلوم است مردمش در چه جهنمی زندگی می کنند.

* روزی که خرافات از در دین وارد شد، خرد و اندیشه از در جمجمه به پرواز درآمد.

* چنان مردم را ترغیب به مرده پرستی و گریه و وافور می کنیم که دست روی دست بگذارند و بگویند، باید دستی از غیب برون آید و کاری بکند!

هیچ کس نداند، خواننده فهمید بیداری خوب می داند، خدا یک داستان ساختگی توسط انسان های دوران جاهلیت است. ابراهیم یکی از آن ها بود که برای جا انداختن این دروغ حاضر شده بود سر فرزند بیگناهِش را از تن جدا کند. هنگامی که گریه و فریاد فرزندش دل سنگ را آب می کرد از بریدن سر بچه منصرف شد و گوسفندی را که در بیابان می چرید به جای فرزندش سر برید.

خدا و دین از لحظه آغاز کارشان باعث درد و رنج و بدبختی انسان شده اند.

* عرب ها اسلام را منصفانه بین خود و ما ایرانیان تقسیم کردند. هر چه گریه و زاری و خرافه و بدبختی بود برای ما و هر چه شادی و رقص و آواز و حرم سرا و ثروت بود برای خود برداشتند.

* می خواهم هر آنچه را که از کودکی به خوردم داده بودند، روی خودشان بالا بیاورم! و انگشت در حلقم کردم و تمام خرافاتی را که به نام اعتقادات به خوردم داده بودند بالا آوردم، چیزی در من زنده شد، به نام انسانیت.

یاری دهندگان مالی برای انتشار
بیداری در ۲۵ سال گذشته ملی
ترین و روشنفکرترین ایرانیانی
بودند که بخشی از مال خود را برای
نجات مردم خویش از دست خرافات
سرمایه گذاری کردند و نتیجه
نیکویش را هم دیدند و می بینند.

تقلید

تا پیش از دوران سیاه صفوی، مسلمانان ایران آموخته بودند که عقاید و باورها را بشنوند و بهترینش را با خرد خود برگزینند.

پس از آمدن آخوندهای لبنانی به ایران در زمان شاه عباس صفوی و تغییر دین سنی مردم ما به شیعه، عنصر غریبی به نام تقلید وارد دستگاه فکری ایرانیان شد.

نخستین مرجع تقلید که از لبنان آمده بود به مردم ایران حکم کرد که دین و باورهایشان را باید از طریق من بشنوید و بیاموزید. خودتان حق فکر کردن و انتخاب در امور دینی ندارید. زیرا شما نمی دانید و من می دانم، چون نماینده امام و خدا هستم.

این گونه بود که مقدمات تعطیل اندیشه در ایران آغاز گردید. به این ترتیب آمده گان از لبنان به مردم حکم می کردند که ما فقها برای شما می اندیشیم و شما به پرس و جو فقط اطاعت کنید.

نخستین فقیه به نام شیخ گرگی صدها نفر را به عنوان فقیه از لبنان به ایران آورد و کل دستگاه دینی ایرانیان بدست لبنانی ها سپرده شد. از آن پس تا پایان دوران صفوی هر چه فقیه شیعه می شناسیم فرزندان و نوادگان همین لبنانی ها بودند.

بر هر کدام از فقیهان دوازده امامی دوران صفوی که برای ایزگم کردن نام فامیل خود را منتسب به شهری از ایران کردند، همچون آیت اله های قزوینی، سیستانی، تبریزی، خامنه ای، خمینی، کاشانی، اصفهانی، طالقانی، خویی، یزدی، اراکی، بروجرودی و... این فامیلی ها همه قلابی است که مردم را بتوانند گمراه کنند و فکر کنند این ها ایرانی هستند.

اگر به شجره سمی هر کدام این آخوندها دست بزنیم و ریشه آن ها را بکاویم. می بینیم به یکی از همان لبنانی های نخستین یا یک عراقی خواهد رسید. و به همین دلیل که این ها ایرانی نیستند، علاقه ای به پیشرفت این کشور و مردم آن هم ندارند و به همین دلیل است که خاک کشور را هم کامیون کامیون مانند سایر معادن به سمت وسوی همان لبنان و عراق می برند و کشور را به فقر و فلاکت رسانده اند.

این آخوندهای بیگانه پدر، ته دلشان هم خوشحال می شود که ایرانی ها به ذلت و ناراحتی بیفتند، آن ها خوب می دانند که ایرانی ها اعراب متجاوز به ایران را دشمن خود می پندارند و دوستشان ندارند. و چنین است این دشمنی دو طرفه با امید بسیار به پایان راه خود رسیده باشد و اگر این بار بخت یار ایرانیان شود دمار از روزگار این ناکسان در خواهند آورد.

بهشت مسلمان ها

یکی از وحشتناک ترین داستان های دینی و قرآن داستان مکانی است به نام بهشت! که در آن مکان، کار اشرف مخلوقات فقط خوردن عسل و شراب است و آمیزش جنسی. به این شکل در آن جا همه مست و لایعقل درهم می لولند. نه قلمی، نه دفتری، نه علمی، نه هنری و نه اندیشه ای! خوردن شراب و ارضای جنسی برای برطرف کردن نیازهای ما انسان ها لذت بخش هستند. اگر نیاز به سکس در ما وجود نداشت حتی یک لحظه هم حاضر نبودیم به آلت تناسلی جنس مخالف نگاه کنیم.

وقتی که نیاز ما از لذت جنسی و خوردنی برطرف شد دیگر توان ادامه نخواهیم داشت. بعد از ارضاء جنسی تکرار مجدد معنی ندارد بلکه زجرآور می شود. یا مگر چقدر می توان عسل خورد، بالاخره شیرینی ذائقه را کور می کند. تنها محبت کردن، عشق ورزیدن، مهربانی کردن، کمک به هم نوع، یاری دادن به نیازمندان و فقرا ذاتا لذت بخش هستند و هیچگاه انسان از آن ها زده و سیر نمی شود! اگر با همین نیازهای بدنی کنونی به بهشت برویم قطعاً پس از مدتی از بهشت متنفر می شویم.

بهشت جای انسان های مفتخور، تنبل، بی شعور و شهوت پرست است. آدم فرهیخته در بهشت دیده نمی شود. در بهشت فقیر و ضعیف وجود ندارد که به آن ها کمک کنیم، یتیمی نیست که به او لبخند بزنیم، بیماری وجود ندارد که به عیادتش برویم، همه چیز هم که مهیاست، هر چه را بخواهی می خوری و هر که را که بخواهی می دری!

قطعاً جهنم بهتر از بهشت است. حداقل امید رهایی از جهنم خودش شیرین است که این امید هم در بهشت وجود ندارد.

معلوم نیست خدا از چه چیز بهشت رضایت دارد و خوشحال است، دائم الباکره! بودن حوری ها خوشحالش می کند؟ یا لوندی و لخت عوری غلمان ها، دائم الخمر بودن مردها یا پریدن آن ها به روی این پری و آن پری. خب این لذت ها برای او یک ماه و یک سال، دلش را نمی زند؟ آن زندگی تخمی برای او یک نواخت خسته کننده نمی شود؟ نکند خدا در بهشت انسان ها به جهنم افتاده است، از ظلم هایی که در روی زمین به مردم کرده و از عدل و عدالتی که جز حرف کسی از او ندیده! چنین خدایی خیلی در عذاب و رنج باید باشد که تا آخر عمرش که پایان ندارد همه روز و شب هایش کپی همدیگر هستند بدون کوچکترین تغییر و تنوعی. مردان و زنان بهشتی هم که زندگی بدتر از حیوان پیدا می کنند و ریخت و قیافه شان از آدمیت خارج می شود. می گویند در بهشت حتی یک آئینه نیست که زن ها به سر و ریخت خود برسند. بهشت نکو، بگو جنگل مولا. این بهشت ارزانی خود آن خدای بی فکر و پیامبران و امامانش باد. ما که نخواستیم.

از افتخارات ما مسلمان ها

ملاحسینعلی یزدی می گوید: سال ها بود که مادرم به رحمت خدا رفته بود، عزم کردم استخوان های مرحومه والده را به کربلا ببرم. امسال به این ثواب موفق شدم. جنازه مادر را برداشتیم و راه افتادیم. وقتی به کرمانشاه رسیدیم مردم گفتند عثمانی ها (آن زمان عراق در دست عثمانی ها بود) از جنازه مرده هم گمرکی می گیرند. این موضوع خیلی موجب اضطراب من شد که مبادا در گمرک خانه، چشم نامحرم بر استخوان های مرحومه افتد و گناه باشد.

از جناب حجت الاسلام آقای ملاعبداله کرمانشاهی این مسئله را پرسیدم که آیا جایز است نظر اجنبی بر استخوان های کله و پا و سایر اعضای زن مسلمة افتد؟

فرمودند: المومن حی فی الدارین (مومن در دو جهان زنده است) و البته که دیدن نامحرم خالی از اشکال نیست. هنگامی که فهمیدم چشم نامحرم بر استخوان های بدن والده جایز نیست فکری به خاطرم رسید که شاید جنازه مرحومه را به طور مخفیانه از چشم گمرک چی ها از گمرک بگذرانم. مجدداً از ملاعبداله استفتا (پرسش) نمودم آیا گمرکی دادن به عثمانی ها حلال است یا حرام؟ جواب دادند گمرکی دادن خلاف شرع بوده، دهنده و گیرنده هر دو خاطی و فعل حرام مرتکب شده اند.

برحسب این دو حکم مطاع عزم جزم کردم که جنازه ی والده را از گمرک بگریزانم. از رفیق و همشهری خود ملا ذوالفعلی پرسیدم چطور می توانم جنازه را از گمرک رد کنم که مامورین متوجه نشوند. پاسخ داد: استخوان های درشت از قبیل کله و قلم های دست و پا را خرد و ریز نموده و در کیسه ای بریز و در توبره علف یابوی خود بگذار، نه کسی ملتفت می شود و نه گمرکی می پردازی.

لذا استخوان کله مرحومه را که عمده بود در هاون کوبیده و در کیسه ی علیحده ریخته و سایر استخوان ها را هم خورد کرده در کیسه دیگر گذاردم و در خورجین یابو نهادم و رویش را به جو انباشتم و به ران یابو آویختم.

از کرمانشاه تا «مصیب» از برکت امام علیه السلام بی مصیبت به سلامت رفتم و کسی ملتفت نشد. گمرکی خالقین را نیز ندادیم که از هر کیسه ی مرده دو تومان می گرفتند ولی در مصیب دچار مصیبت بزرگی شدم. میخ طویله یابو را در جلوی کاروانسرای به زمین کوبیده برای وضو به کنار نهر فرات رفتم، چون برگشتم دیدم خاک عالم بر سرم شده، یابو میخ طویله را کنده بر سر توبره رفته جوها و استخوان های کیسه را تماماً خورده و از کله ی مرحومه والده اثری باقی نمانده. حالم دگرگون شد و بسیار

گریستم.

آخوند ملا ذوالفعلی از راه رسید و حال گریان مرا دید پرسید چه شده، قضیه را به تفصیل نقل کردم، فکری کرد و گفت غم مخور چاره ی آن آسان است. گفتم چاره آن چیست؟ گفت بدان، استخوان کله ی مرحومه ی والده ات الان در شکم این یابو است و یابو مانند سگ نیست که بتواند استخوان را هضم کند تا دوازده ساعت دیگر یابو آن چه را از استخوان ها خورده بیرون خواهد داد، امروز باید در مصیب بمانی تا پهن یابو را جمع کرده با نعش مرحومه به کربلا بیاوری، فقط یقین نما که کله ی مرحومه در پهن یابو قرار دارد.

ای خدای بزرگ هیچ نمی دانی که از شنیدن این کلمات پُر از حکمت که حل مشکل مرا می نمود چقدر شاد شدم. یک روز توقف نموده تا پهن یابو را در غربالی جمع کرده نرم ساییدم و در قوطی حلبی نموده با سایر استخوان ها در کیسه ای ریخته به کربلای معلا آوردم.

در گمرک خانه کربلا ماموران عثمانی دیدند که من راضی نمی شدم آن ها در کیسه را بگشایند که چشم نامحرم به استخوان های مرحومه بیفتد. ماموران چون اصرار مرا دیدند بیشتر مشکوک شدند که نکند من با خود گوهر شب چراغ آورده ام سر کیسه را گشودند بوی سرگین (تاپاله) زد بیرون، بقدری ناراحت شدند که سرگین خاکستر شده را ریختند توی گودال خلای زوارامام.

حقیر گریان و بر سر کوبان و آتش به جان سراغ آیت اله عظمای کمره ای را



**ایرانی های فراوانی همین امروز در
بیرون از کشور هستند که ظاهراً دارای
تحصیلات و شعور هستند و خود را هم عقل
کل می پندارند ولی وصیت می کنند پس
از فوت جسد آن ها را به ایران در جوار قبر
امام رضا در مشهد یا شاه چراغ شیراز یا
امام زاده ای که در شهر اجدادی خود
دارند دفن شوند و خیلی مومن هایش می
خواهند جسدشان را به کربلا برای چال
کردن ببرند! بی جهت نیست آخوندها در
کشور ما به حکومت رسیدند!**

**پیام خدا به جنتی - سلام احمد جان،
خبر بد این که عزرائیل هم مرد، قیامت
هم تموم شد، منم دارم می روم، اگر
خواستی بمیری خورشید و خاموش کن،
کلیدش را هم بزار تو جاکفشی!**

به بهای دلخواه

مانده از رویه ۱۲

- ۸ - کتاب های انگلیسی انتقاد از مسیحیت و اسلام
 - ۹ - مجله هایی از کاوه، دکتر محمد عاصمی آلمان
 - ۱۰ - یادواره ی یک بچه قزاق، سرتیپ آیرملو
 - ۱۱ - اشعار مریم حیدرزاده، شاعر روشندل
 - ۱۲ - خاطرات اکبر محمدی از زندان جمهوری اسلامی
 - ۱۳ - مجموعه فرهنگ معین
 - ۱۴ - خانه حیوانات، جرج اوورل
- سری اول کتاب ها در بیداری شماره ۱۴۹ آمده است.

**دنیا به جایی می رسد که افراد
باهوش از حرف زدن منع می شوند
تا باعث رنجش احمق ها نشوند.
داستایفسکی
«اکنون دقیقاً در ایران همان زمان است»**

گرفتم و به درگاهش رفتم و داستان گفتم، فرمودند «کود مستراح زوار
امام پاک است و ما از آن ها برای مسلمانان ایران مهر نماز درست می
کنیم! برو بر سر همان چاه مستراح با بیل هر چقدر توانستی بردار و ببر
قبرستان دفن کن به نیت جسد مادر محترمه! فوری برگشتم به حمدالله
با بیل تا آن جا که توانستم از درون گودال مستراح برداشتم بار یابویم
کردم و امروز به حمدالله تعالی در زمین خیمه گاه نزدیکی های حجله
قاسم مدفوع را مدفون کردم که گویی بهشت را به من داده اند.

در همین اثنا که به دفن مدفوع و خاکستر کله ی والده مشغول بودم سرو
کله آخوندی برای خواندن فاتحه پیدا شد، وقتی فهمید ایرانی هستم و
بوی کثافت مستراح امام از جسد مرحومه و لباس های من همه جا را
گرفته، گفت مرده شور هر چه آدم خر است ببرد. چطور زمانی که عرب ها
دخترکان و زنان زیباروی ایرانی را پشت شترهای خود بستند و بردند آن
را ننگ و عار نشمردید حالا برای استخوان پوسیده ی پیر عجوزه یی پدر
خودت را در آورده ای که چشم نامحرم به او نیفتد.

گویی تازیان نه تنها ایران را چاپیدند و نابود کردند بلکه ریشه ی شعور
و خرد شماها را از بیخ و بن کردند و علم و معرفت را برانداختند.
برداشتی از کتاب «سه مکتوب» نوشته میرزا آقاخان کرمانی

محسن خیمه دوز

دین و سیاست

دین و سیاست دوروی یک سکه اند، هر دو با وعده های خوب شروع می
کنند و عاقبت هر دو به ویرانی و فساد می رسند.
حیرت انگیز این که معمولاً اکثریت جامعه دین دار می شوند و تابع
سیاستی که بر آن ها مسلط شده، یعنی اکثریت هر دوی این دو ایده را
می پذیرند.

به همین دلیل است بدترین دین ها دین سیاسی و بدترین سیاست ها،
سیاست دینی است. اگر همین حقیقت ساده توسط روشنفکران دهه
های بیست و سی و چهل ایران درک و فهم شده بود، ایران امروز چهره
ای دیگر داشت. افسوس که روشنفکران ما همواره در حد همان اکثریت
ناآگاه ما بودند نه بیشتر.

**در ایران ۱۲۰ بیمارستان به اسم خمینی داریم،
هر ۱۲۰ تای آن پیش از انقلاب ساخته و راه افتاده بود.**

زن و مذهب

مانده از رویه ۲

ابزار اصلی اعمال ستم بر زنان است که تا به امروز در خدمت نظام مرد سالار بوده است.

مبارزه با مذهب نباید به استقرار سوسیالیسم حواله شود. بر عکس مبارزه با مذهب جزئی از شروط تحقق سوسیالیسم است و نباید به شعار جدایی مذهب از دولت تکیه کرد چون جدایی این دوقلوی تاریخی در دل نظام مرد سالار ساده لوحی است. مذهب چه جدا و چه وابسته به دولت، عامل تخدیر و تحمیق شعور توده ها و مُبلغ نابرابری و فرودرستی زن است. مبارزه با مذهب، به معنی تحت تعقیب قرار دادن مذهبیون و ممنوعیت داشتن عقاید مذهبی نیست. هر کس آزاد است به هر مذهب و خرافه ای باور داشته باشد اما حق ندارد در هیچ عرصه و مقطعی تحت هیچ نام، به حریم آزادی فردی و اجتماعی انسان دیگر تجاوز کند.

مبارزه با مذهب باید تا بی اعتباری کامل اجتماعی آن به پیش برده شود. افشای خصلت زن ستیز و ضد انسانی مذهب باید تا آنجا پیش برده شود که هر انسان شرافتمندی از داشتن اعتقادات مذهبی احساس شرم کند. بیداری- ما از روزی که انتشار بیداری را آغاز کردیم هیچ کدام از زنان نویسنده و خانم های روزنامه نگار ایرانی که دستی در انتشار مجله و ماهنامه فارسی و نوشتن دارند جرات افشاگری و روشنگری دینی از خود ابراز نکردند و با ما هم همکاری ننمودند و بیداری بیشتر مردانه بود. این همه بانوی مبارز سیاسی و اساتید دانشگاهی داریم حتی یک تن آن ها گام در میدان مبارزه با مذهب نگذاشتند و بیشترشان هنوز به خرافات مذهبی باور دارند و با داشتن نشریه دست از سفره نذری انداختن بر نمی دارند. از خانم هایی که در تلویزیون ها و رادیوهای ایرانی فعال هستند نیز هیچ کدام هیچ گونه مخالفتی با بلایی که اسلام بر سر زن ایرانی آورده از خود بروز نمی دهند و اعتراضی نمی کنند. این ماجرا در خانم های غیر مسلمان هم دیده می شود که خود را سرگرم کار ادبیات و برنامه سازی در رادیو، تلویزیون و شعر گفتن، مصاحبه کردن و چاپ کتاب کرده اند ولی از خرافات دین خود سخنی به میان نمی آورند.

رنسانس - تولدی دیگر

مانده در رویه ۳

مخالفت داشت و می گفت نباید پیوسته به فکر رستاخیز و آخرت بود و باید از زیبایی های زندگی و لذت های آن بهره مند شد. این ها عقایدی بود که پیش از پیداشدن سر و کله ادیان، تشکیلاتی مردم دوران باستان روم و یونان داشتند. فرانچسکو کوشید تا فرهنگ باستان را زنده کند و

با نوشته های گوناگون خود روح گذشته را ظاهر سازد. مانوئل کریزولوراس دانشمند بزرگ یونانی دیگر فردی بود که از پایه گذاران ایده رنسانس گردید. او عده بسیاری شاگرد تربیت کرد که بعدها از بزرگان ادب به شمار رفتند.

رنسانس در رشته های گوناگون ادبیات، سیاست، دانش، اومانیسم غوغایی به پا کرد و آن ها را متحول نمود.

در رنسانس بیش از هر چیز به بارآوری و آفرینندگی انسان توجه می شود. و آدمی موجودی آزاد شمرده می شود و به حیات اخروی باور ندارد و نمی اندیشد، او از یوغ بندگی که جهان بینی قرون وسطایی برگردنش نهاده بود آزاد می شود. این ویژگی ها «انسان گرایی» نام گرفت که انسان به جای موضوعات روحانی و الهی به مسائل انسانی بپردازد. انسان گرایی هم مانند خود رنسانس از ایتالیا ظهور کرد.

از عوامل گسترش رنسانس «صنعت چاپ» بود که دسترسی به کتب راحت تر گردید. در این زمان خواندن کتاب مانند قرون وسطی تنها به روحانیون محدود نبود. زن و مرد، فروشندگان، اشراف و همگان می توانستند بخوانند. در واقع در اواسط سده شانزدهم (۱۶۵۰) نیمی از مردم لندن سواد خواندن و نوشتن داشتند، میزان سواد در سایر شهرهای اروپا نیز مانند لندن بود.

رنسانس ایتالیایی در سال (۱۴۹۵) به فرانسه رسید.

رنسانس نتیجه اصلاحات مذهبی - انقلاب

علمی - پیشرفت های هنری و انقلاب فکری

کوپرنیک بود که ناگهان نظریه مذهبی

«زمین مرکز جهان است» را مردود شمرد.

و از همه مهم تر برگشت آنان به ارزش ها و

داستان های کلاسیک و قدیمی یونان و روم

باستان بود برای رسیدن به اصل و هویت

واقعی خویش

ما ایرانیان هم برای رهایی از مسمومیت

مزمن مذهبی باید به ریشه ها و هویت

تاریخی خویش برگردیم. هویت امروز ما

مخدوش و بی اصل و نسب است.

و اما چه کسانی و از چه ملتی سدها سال پیش از غربی ها دست به رنسانس زدند. باید گفت بزرگترین نابغه و دانشمند از ایران بود که نزدیک به ۶۰۰ سال پیش از این که غربی ها دست رد به سینه مذهب و خرافات بزنند او زد و او کسی جز زکریای رازی، پزشک، فیلسوف، شیمیدان، داروساز نبود. زکریای رازی در علوم عقلی نیز یکی از مهم ترین سرآمدهای جهان بود.

او کتاب های زیادی در تقبیح مذاهب و در باب روش های شیادی پیامبران نوشت که شرح آن ها را در نوشته های هم عصران اش می بینیم. برای مثال وی قرآن را مجموعه ای از افسانه های سراسر تناقض خواند که هیچ گونه آگاهی مفید و به درد بخوری ندارد. رازی در کتاب «طب روحانی» خویش می نویسد:

شریعت و آیین های پست، پیروان خود را فریب داده و به هلاکت رسانده است و دین و مذهب پدیده ای هوایی و غیر عقلانی است. وی در آغاز همین کتاب در ستایش «خرد» می نویسد و خرد را سبب نجات آدمی تصور می کند.

تا جهان باقی است نام رازی برجا خواهد بود که از سرآغازان رنسانس بشری می باشد و افسوس که فرزندان و نوادگانش اندیشه های چنین روشنفکر و نابغه ای را نگرفتند و تا امروز پیرو همان شیادان شده، زندگی سختی دارند.

سیاوش لشگری

باورتان می شود؟

آیا باورتان می شود خداوند عالم و هستی که گویا داناترین داناهاست و تواناترین تواناها، پیامبری را برای چند میلیارد مسلمان انتخاب می کند که این پیامبر دارای هزار عیب است و از لحاظ جنسی هم گرفتاری فراوانی دارد. این پیامبر را از وحی هایی که بر او شده به خوبی می توان شناخت و خدایش را هم می شود فهمید که چند مرده حلاج است!

در آیه ۵۰ سوره احزاب خداوند سه زن اضافی هدیه پیامبرش کرده به او اجازه می دهد چهار زن عقدی همین اول کار پیامبری اش (فعلاً) پیش قسط قبول کند تا بعداً از خجالت اش درآید و او را آزاد خواهد کرد تا هر چند زن بخواهد بتواند به بستر خود بکشانند! درگام بعدی در همان سوره به محمد می گوید من هوای تو را دارم، هر زن مومنی که از تو خوشش آمد و خواست خودش را بدون مهریه و شهود به تو ببخشد می توانی به ازدواج خودت درآوری. در همان سوره آیه ۵۱ تبصره جالبی برای نوبت هم

خوابگی رسول خودش مقرر می کند که زنان محمد از نوبت هم خوابگی که رسول خودش برقرار می کند نباید ناراحت و محزون باشند فقط گوش به فرمان رسول خدا بنشینند تا پیامبر فرصت پیدا کند و آن ها را مورد تفقد رختخوابی قرار دهد، چه خدای ناز و نازنینی این پیامبر پیدا کرده؟ قانون بعدی، پس از درگذشت محمد کسی نمی تواند چشم چپ به زنان بیوه او هم بکند و با زنان بیوه شده و بی شوهر و بی سرپرست او ازدواج نماید. عجب خدای مهربانی این رسول مکرم دارد. در ادامه عشق خداوند به پیامبرش می گوید زنان محمد باید در خانه هایشان بنشینند و از آرایش خودداری کنند. این کلک خود رسول است که نمی خواهد زن ها خوشگل تر شوند و مورد توجه مردان فامیل هیز و مردان زنباز قبیله اش قرار گیرند.

در هدیه جالب دیگر خداوند به پیامبر انتخابی و انتسابی اش، اگر هر کدام از زنان محمد اشتباهی و گناهی بکنند عذاب شان دو برابر انسان های معمولی خواهد بود! این خداوند دانا ببینید تا کجا هوای پیامبر ارسالی اش را دارد که به او در همان سوره آیه ۵۰ رسماً می گوید، شما می توانید با دختر عموها و دختر عمه ها و دختر دایی ها و دختر خاله ها که همراه شما از مکه به مدینه کوچ کردند. هر وقت دلت خواست ازدواج کن! به به به، این یکی شاهکاری از الله است برای پیامبر. می فرماید محمد جان شما از رعایت عدالت و شناختن حق مساوات برای زنان خود معاف هستید و لازم نیست خودت را موظف به این دردسرها کنی! عدالت برای تو نیامده، تو فقط کیفیت ات را بکن. خلاصه می کنم که صفحات بیداری جای لیست کردن همه هدایای الله به محمد نیست، مثلاً وحی می کند زنان محمد به هر چه که حضرت به آن ها «نفقه» می دهد خوشحال باشند و نگویند این چیست و چرا حق واقعی مرا نمی دهی!

دکتر جلال ایجاد می مربوط به همین هدایا که خداوند عالم در وحی هائی گوناگون به او داده است. می گوید:

این امتیاز خواهی جنسی و انحصار طلبی جنسی پیامبر ناشی از چیست؟ مردسالاری، زن بارگی، بی اخلاقی، پدوفیلی، عقده های جنسی، زن را پست انگاشتن؟ پیامبر اسلام یک الگوی سکسی برای فرد و جامعه است، سکس ایدئولوژی اسلام است. ایدئولوگ های سنتی و حتا مدرن اسلامی (نواندیشان دینی) در عقده های بیمارگونه سکسی فلج هستند و ایراد و اعتراضی به رفتار پیامبرشان ندارند. دکتر ایجاد می دهد: مرد مسلمان از یکسو با خودفریبی از معنویت و اخلاق سخن می گوید و به غرب می تازد و از سوی دیگر خود در زیاده خواهی سکسی و فانتاسم جنسی غوطه ور است. زیاده روی افراطی نتیجه معرفت دینی و بینش قرآنی و فرهنگ رایج مردانه از نوع اسلامی اش می باشد.

بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

به بهای دلخواه

کتاب های زیر را که بسیار دوست می دارم برای انتشار چند شماره بیشتر بیداری به فروش گذاشته ام. از لیست ماه پیش سه چهار نفر چند کتابی سفارش دادند. انتشار این شماره بیداری با هدیه ارزشمند یکی از آن چهار نفر میسر گردید. لیست دوم کتاب ها:

۱- جزوه های روشنگری دکتر احمد ایرانی

۲ - جزوه اسرار هزار ساله - هدیه سهراب

۳ - بیشتر کتاب های احمد کسروی

۴ - بیشتر کتاب های صادق هدایت

۵ - مجله هایی از ره آورد و روزگار نو

۶ - دوره کامل صوراسرافیل، نویسندگان دهخدا، جهانگیر خان صوراسرافیل.

۷ - زن در شاهنامه از خانک عشقی صنعتی

مانده در رویه ۹

بیداری های به صورت کتاب درآمده را امسال به دوستان عیدی بدهید تا کمکی برای چاپ بیداری شود
۰۰۱۳ - ۳۲۰ (۸۵۸)

آن امامی که خود از شدت اسهال بمرد
کی دعایش بهر اسهال مسلمانان دواست
هر کتاب از آسمان افتاد بردار و بخوان
تا بدانی آسمان سرچشمه پرت و پلاست
هادی

ایلان ماسک پنجاه و سه ساله با ۴۷۴۵
ماهواره استارلینک کره زمین را پوشش
داده است. خدمت این انسان را
مقایسه کنید با خرافات ۱۲۴ هزار
پیامبر و هزارها امام و امام زاده و
همه پیروان دین اسلام طی ۱۴۰۰ سال
چه بوده است. یک آفتابه هم نساختند.

لطفا برای سفارش دادن بیداری و داشتن ارتباط فقط
با ایمیل bidari2@hotmail.com تماس بگیرید.

Prst Std
U.S. Postage
Paid
San Diego, CA
Permit No. 2129

BIDARI
P.O. Box 22777
San Diego CA 92192
U.S.A.